



Original Paper

Article History:

Received: 29 September 2025

Revised: 5 November 2025

Accepted: 6 December 2025

Published Online: 22 June 2024

The Obligations of the Occupying Power Regarding the Right to Life of Children in the Occupied Territories of the Occupied State

Mohammad Habibi Mojandeh¹, Sahand Alizadeh² (Corresponding Author)

1. Department of Law, Faculty of Law, Mofid University, Qom, Iran.

2. Department of International Law, Faculty of Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

E-Mail: alizadesahand7@gmail.com

Abstract

The military occupation of a state's territory by another, which follows an invasion, is often accompanied by serious human rights violations, particularly concerning children. The present text, focusing on Article 6 of the CRC, examines the dimensions of the occupying state's responsibility regarding children's right to life in these areas. The consequences arising from the state of occupation, such as the forced transfer of children, disruption of health and educational services, separation from families, and direct threats to their lives, raise the question of the extent to which such actions conflict with binding international obligations of states during occupation. This research, aiming to clarify the legal framework for the protection of children's right to life under occupation, analyzes the nature and scope of the occupying state's obligations and consequences of their violation. The findings indicate that systematic violations of children's rights, particularly the right to survival and development, can form the basis for establishing international responsibility of the occupying state. Accordingly, it can be concluded that territorial occupation during conflict not only does not exempt the occupying state from its human rights obligations but, given the heightened vulnerability of occupied population, places doubled emphasis on necessity of adhering to the fundamental principles of children's rights.

Keywords: Armed Conflict, Convention on the Rights of the Child, International Responsibility, Military Occupation, Right to Life.

Citation: Habib Mojandeh, M.; Alizadeh, S. (2024). Russia's Obligations Regarding the Right to Life of Children in the Occupied Territories of Ukraine. *Journal of Islamic Wisdom and Law*, 1 (1), 8-27. Doi:

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.





دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
دوره ۱، شماره ۱، بهار - تابستان ۱۴۰۳
شاپا الکترونیکی: ۳۰۹۲-۶۶۵۳
Sanad.iau.ir/journal/iwl
Doi:



مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۲۵

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

تعهدات دولت اشغالگر در قبال حق حیات کودکان در مناطق اشغالی دولت اشغال شده

محمد حبیبی مجنده^۱، سهند علیزاده^۲ (نویسنده مسئول)

۱. گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه مغید، قم، ایران.

۲. گروه حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

alizadesahand7@gmail.com

چکیده

اشغال نظامی بخشی از سرزمین یک دولت توسط دولتی دیگر، که در پی تهاجم صورت می گیرد، غالباً با نقض های جدی حقوق بشر، بالخصوص در مورد کودکان، همراه است. نوشتار حاضر با تمرکز بر ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک، به بررسی ابعاد مسئولیت دولت اشغالگر در قبال حق حیات کودکان در این مناطق می پردازد. آثار ناشی از وضعیت اشغال، مانند انتقال اجباری کودکان، اختلال در خدمات بهداشتی و آموزشی، جدایی از خانواده و تهدیدهای مستقیم علیه جان آنان، این پرسش را برمی انگیزد که چنین اقداماتی تا چه اندازه با تعهدات الزام آور بین المللی دولت ها در زمان اشغال در تعارض قرار می گیرند. این پژوهش با هدف تبیین چارچوب حقوقی حمایت از حق حیات کودکان در اشغال، به تحلیل ماهیت و گستره تعهدات دولت اشغالگر و پیامدهای نقض آن ها می پردازد. یافته ها نشان می دهد که نقض نظام مند حقوق کودکان، بالخصوص حق بقاء و رشد، می تواند مبنای احراز مسئولیت بین المللی دولت اشغالگر قرار گیرد. براین اساس، می توان نتیجه گرفت که اشغال سرزمینی در خلال مخاصمه، نه تنها دولت اشغالگر را از تعهدات حقوق بشری خود معاف نمی کند، بلکه با توجه به آسیب پذیری مضاعف جمعیت تحت اشغال، بر لزوم پایبندی به اصول بنیادین حقوق کودک تأکیدی دوچندان می نهد.

کلمات کلیدی: اشغال نظامی، حق حیات، کنوانسیون حقوق کودک، مخاصمه مسلحانه، مسئولیت بین المللی.

نحوه ارجاع به مقاله:

حبیبی مجنده، محمد؛ علیزاده، سهند (۱۴۰۳). تعهدات روسیه در قبال حق حیات کودکان در مناطق اشغالی اوکراین. دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق. ۱

Doi: ۸-۲۷. (۱)

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – accses article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



۱- مقدمه

در طول تاریخ مخاصمات مسلحانه، کودکان همواره جزو نخستین و آسیب‌پذیرترین قربانیان بوده‌اند و تداوم جنگ، اشغال و نابسامانی‌های ناشی از آن، امکان زیست را برای ایشان به شدت تهدید کرده است. با آغاز تهاجم نظامی روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ و اشغال بخش‌هایی از خاک این کشور، جامعه بین‌المللی بار دیگر با معضل نقض فاحش حقوق کودکان، به‌ویژه حق بنیادین آنان، یعنی حق حیات، مواجه شد. در شرایطی که حفظ جان انسان‌ها در طی مخاصمات مسلحانه تابع اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر به شمار می‌رود، کودکان به‌عنوان گروهی دارای نیازهای ویژه، جایگاهی ویژه در نظام‌های حقوقی یافته‌اند؛ جایگاهی که نقض آن واجد تبعات حقوقی و کیفری برای دولت متخلف است.

کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)^۱ که هم‌اکنون با پذیرش جهانی تقریباً تمامی کشورها، از جمله روسیه، به یکی از جهانی‌ترین اسناد حقوق بشری تبدیل شده، در ماده ۶ خود بر لزوم به رسمیت شناختن ذاتی بودن حق حیات کودک و تعهد دولت‌ها به بقاء و رشد او تأکید ورزیده است. واجد اهمیت است که این تعهد صرفاً مختص زمان صلح نیست؛ بلکه کنوانسیون از جمله معهود اسناد حقوق بشری است که در پرتو تفسیر نهاد ناظر خود (کمیته حقوق کودک)، نسبت به وضعیت کودکان در مخاصمات مسلحانه رویکردی سازگار با تحولات میدانی اتخاذ کرده و دولت‌ها را موظف به احترام و حمایت از حیات کودکان بدون توجه به مکان، زمان یا وضعیت حاکم دانسته است. با انضمام اصل تداوم تعهدات حقوق بشری در دوران مخاصمه مسلحانه به قواعد حقوق بشردوستانه، به‌ویژه کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹)^۲ در باب حمایت از غیرنظامیان، تعهدات روسیه نسبت به کودکان ساکن در مناطق اشغالی بیش‌ازپیش خصیصه الزام‌آوری می‌یابد.

با این حال، گزارش‌های متعدد از مراجع حقوق بشری بین‌المللی از جمله کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، دیده‌بان حقوق بشر و صندوق کودکان سازمان ملل متحد به چالشی مهم اشاره دارند؛^۳ تکرار و تشدید اقدامات نظامی که منجر به مرگ، جراحت، گرسنگی، انتقال اجباری و قطع دسترسی هزاران کودک به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و حتی مدارک هویتی که بالاجبار تعویض شده است. در وهله نخست، پرسشی اساسی پدیدار می‌گردد: تا چه میزان افعال روسیه در مناطق اشغالی شرق و جنوب اوکراین با تعهدات بین‌المللی این کشور، به‌ویژه در پرتو ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک، قابل تطبیق یا در تعارض است؟

^۱ Convention on the Rights of the Child, adopted by General Assembly resolution 44/25 of 20 November 1989, 1577 U.N.T.S. 3; entered into force 2 September 1990.

^۲ Geneva Convention relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War (Fourth Geneva Convention), 12 August 1949, 75 U.N.T.S. 287; entered into force 21 October 1950.

^۳ برای مثال ن.ک. به:

Independent International Commission of Inquiry on Ukraine, *Report of the Independent International Commission of Inquiry on Ukraine*, UN Doc. A/HRC/52/62 (15 March 2023).

این گزارش جزئیات مهمی از انتقال و تبعید اجباری کودکان را شرح می‌دهد و پیرو آن عنوان می‌دارد که امکان طبقه‌بندی این اقدامات ذیل جنایات جنگی میسر است.

Human Rights Watch, *"We Had No Choice": 'Filtration' and the Crime of Forcibly Transferring Ukrainian Civilians to Russia*, (1 September 2022).

این گزارش به انتقال اجباری غیرنظامیان اوکراینی از جمله کودکان و فرآیندهای گزینشی پیرو آن را مستند می‌نماید. همچنین جهت مطالعه بیشتر در خصوص موارد نقض پس از انتقال کودکان به خاک روسیه ر.ک. به:

Human Rights Watch, *Education under Occupation: Forced Russification of the School System in Occupied Ukrainian Territories*, (20 June 2024).

UNICEF, *Humanitarian Action for Children (HAC) 2024: Ukraine and Refugee Response*, (December 2023).

این سند به طور خاص به آثار مخرب و ویرانگری که مخاصمه بر دسترسی کودکان به آموزش و خدمات بهداشتی می‌گذارد، می‌پردازد.

پاسخ به این پرسش صرفاً از منظر توصیفی کافی نیست، زیرا در پرتو اصول پذیرفته شده مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها - به‌ویژه طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱)^۱ هرگونه نقض تعهدات منبعت از قواعد عام‌الشمول نسبت به گروه‌های آسیب‌پذیر می‌تواند مسئولیت بین‌المللی به بار آورد. ارزیابی عملکرد حقوقی روسیه در قبال کودکان اوکراینی باید در پرتو دو بُعد اساسی تعهدات بین‌المللی بررسی گردد؛ نخست، تعهد سلبی به عدم تعرض عمدی و ثانیاً، تعهد ایجابی به فراهم‌سازی حداقل استانداردهای بقاء و مصونیت.

لزوم تحلیل عمیق‌تر این موضوع، نه تنها از جهت بررسی ابعاد تعهدات قراردادی روسیه اهمیت دارد، بلکه آثار احتمالی آن در حوزه مسئولیت کیفری بین‌المللی نیز واجد اهمیت است. فصل مشترکی که در آن، نقض حق حیات کودکان نه صرفاً موضوعی اخلاقی، بلکه چالشی بنیادین در نظم حقوقی بین‌المللی تلقی می‌گردد.

براین‌اساس، نوشتار حاضر می‌کوشد باتکیه بر مبانی حقوق کودک، اصول کلی حقوقی و اسناد مرتبط، روند فعل یا ترک فعل روسیه در قبال کودکان مناطق اشغالی اوکراین را از منظر حقوقی بررسی کرده و میزان مطابقت آن با تعهدات ناشی از کنوانسیون حقوق کودک را ارزیابی نماید. در این راستا، سعی بر آن است که با تحلیل اسناد بین‌المللی و با رویکردی کیفی، به بررسی تعهدات روسیه در قبال حق حیات کودکان در مناطق اشغالی اوکراین و تلاش این دولت برای گریز از مسئولیت‌هایش پرداخته شود.

۲- پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه و تعهدات دولت‌ها ذیل کنوانسیون حقوق کودک انجام شده، اما کمتر پژوهشی به بررسی تعهدات روسیه در قبال حق حیات کودکان در مناطق اشغالی اوکراین ذیل ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک پرداخته است. مقاله «حفاظت از حقوق کودکان به‌عنوان عنصری از امنیت ملی اوکراین» از موروز و دیگران (۲۰۲۳)^۲ با بررسی نقض سیستماتیک حقوق کودکان اوکراینی توسط روسیه بر ابعاد امنیتی تأکید دارد تا تحلیل حقوقی تعهدات بین‌المللی. پژوهش «حقوق کودک بین‌المللی و حل‌وفصل مخاصمه روسیه و اوکراین و دیگر مخاصمات» از دیان ماری آمان (۲۰۲۲)^۳ نیز اگرچه حقوق کودک در مخاصمات را بررسی می‌کند، اما به‌صورت خاص به مسئله مناطق اشغالی نپرداخته است. از میان پژوهش‌های داخلی، مقاله «حق بر حیات در پرتو معنای حیات: امکان یا امتناع» از بابایی‌خورزوقی و زمانی (۱۴۰۰)^۴ مبانی نظری ارزشمندی ارائه می‌دهند، اما ناظر به شرایط خاص جنگ اوکراین نیستند و مقاله «مسئولیت دولت‌ها در نقض حق حیات: ارزیابی رویه دیوان اروپایی حقوق بشر» از آشوری

^۱ این سند که توسط «کمیسیون حقوق بین‌الملل» سازمان ملل متحد تهیه شده، قواعد حاکم بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی را تدوین می‌کند. گرچه این سند معاهده‌ای الزام‌آور نیست، اما عموماً به عنوان سندی شناخته می‌شود که بازتاب‌دهنده قواعد پذیرفته شده حقوق بین‌الملل عرفی است و بنا بر آن خصیصه لازم‌الرعا به بودن را به خود می‌گیرد.

International Law Commission, *Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*, with commentaries, 2001, Supplement No. 10 (A/56/10). Annexed to G.A. Res. 56/83, U.N. Doc. A/RES/56/83 (12 December 2001).

^۲ Moroz, O., Bondar, V., & Khatniuk, Yu. (2023). Protection of children's rights as a component of Ukraine's national security. *Social & Legal Studies*, 6(3), 104-110.

^۳ Amann, D. M. (2022). International Child Law and the Settlement of Ukraine-Russia and Other Conflicts. *International Law Studies*, 99, 559-601.

^۴ بابایی‌خورزوقی، نوید، زمانی، قاسم (۱۴۰۰). حق حیات در پرتو معنای حیات: امکان یا امتناع، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، (۳)، ۵۱-۸۵.

و همکاران (۱۴۰۲)^۱ با تحلیل تعهدات ایجابی و سلبی دولت‌ها در قبال حق حیات، هر کدام بخشی از ابعاد این مسئله را پوشش داده‌اند، اما نوآوری تحقیق حاضر در ترکیب این مباحث و تطبیق آن بر وضعیت خاص کودکان در مناطق اشغالی اوکراین است.

۳- مبانی حقوقی حمایت از کودکان در مخاصمات و اشغال

۳-۱- حق حیات در نظام بین‌المللی حقوق بشر

حق حیات به‌عنوان بنیادی‌ترین حق بشری، بنیانی است که دیگر حقوق بر آن استوار می‌شوند (قاری‌سیدفاطمی، ۱۳۷۹: ۱۵۰). این حق از چنان جایگاهی برخوردار است که در اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر مکرراً مورد تصریح قرار گرفته و همراه با ضمانت‌های اجرایی ویژه‌ای ارائه شده است. در این چارچوب، اسنادی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)،^۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)^۳ و کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) به‌صورت صریح یا ضمنی، تعریف معینی از حق حیات و الزامات دولت‌ها در حمایت از آن، به‌ویژه نسبت به کودکان، ارائه کرده‌اند.

مطابق ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، «هر انسانی محق به زندگی، آزادی و امنیت شخصی است». بنابراین حق حیات نه‌تنها متعلق به تمام افراد بشر است، بلکه از چنان مرتبه‌ای برخوردار است که در زمره حقوق غیرقابل تعلیق قرار می‌گیرد. متعاقباً، ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی این مفهوم را بسط می‌دهد. بند نخست این ماده مقرر می‌دارد که «حق هر انسان به حیات، حقی ذاتی است و این حق باید به‌موجب قانون حمایت شود. هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه از زندگی محروم ساخت». رویه نهادهای نظارتی، به‌ویژه کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، نیز مؤید آن است که دولت‌ها نه‌تنها باید از کشتار خودسرانه جلوگیری کنند؛ بلکه باید در قبال تهدیدهایی که حیات افراد را به مخاطره می‌اندازد نیز پاسخگو باشند (HRC/GC. No. 36, 2018: para. 7).

کنوانسیون حقوق کودک نیز که وضعیت خاص کودکان را موردتوجه قرار داده، اهمیت این حق را به شکلی خاص در ماده ۶ یادآوری می‌کند. بندهای ۱ و ۲ این ماده صراحتاً مقرر می‌دارند که «هر کودک دارای حق ذاتی به حیات است» و دولت‌ها «باید با حداکثر امکانات موجود، بقا و رشد کودک را ضمانت و تضمین کنند». این ماده نه‌تنها مفهومی حداقلی از حق حیات ارائه نمی‌دهد، بلکه تعریفی مترقی از آن را مطرح می‌کند، (حبیبی، ۱۳۸۱: ۲) که علاوه بر ممانعت از سلب حیات، دولت‌ها را در تأمین شرایط لازم برای تکامل و تعالی کودکان مکلف می‌سازد. به بیان دیگر، حق حیات در این سند، ترکیبی از حقوق مدنی (پرهیز از سلب حیات) و حقوق اقتصادی-اجتماعی (تضمین بقا و رشد) را دربرمی‌گیرد.

آنچه حق حیات را برای کودکان متمایز می‌سازد، ماهیت خاص این گروه به‌عنوان اشخاصی است که نیازمند حمایت‌های مثبت و مستمر برای رشد از سوی دولت‌ها و جامعه بین‌المللی هستند. در این راستا، تفسیر موسع از حق حیات بار مسئولیت دولت‌ها را در حمایت و حفاظت از کودکان، به‌ویژه در شرایط جنگ و اشغال سرزمینی، سنگین‌تر می‌سازد (CRC/GC. No. 6, 2005: para. 3; CRC/GC. No. 14, 2013: paras: 2 & 59; ICJ, 2004: 136).

در پرتو این مفاهیم، تعهدات دولت روسیه در قبال حق حیات کودکان در مناطق اشغالی اوکراین، با معیارهای دقیقی قابل بررسی است. وضعیت مخاصمه مسلحانه و اشغال نظامی نمی‌تواند بهانه‌ای برای نادیده‌انگاشتن حق حیات کودکان باشد، زیرا تعهد به حمایت از حیات کودک نه وابسته به وضعیت تابعیت یا محل اقامت، بلکه منبعث از شخصیت بین‌المللی دولت‌ها به‌عنوان متعاهدین اصلی در قبال

^۱ آشوری، محمد، چاووشی، محمدصادق، کوشا، جعفر (۱۴۰۳). مسئولیت دولت‌ها در نقض حیات: ارزیابی رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۲(۲)، ۵۱۵-۳۹.

^۲ Universal Declaration of Human Rights, G.A. Res. 217 A (III), U.N. Doc. A/810 at 71 (1948).

^۳ International Covenant on Civil and Political Rights, adopted by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966, 999 U.N.T.S. 171; entered into force 23 March 1976.

این حق جهان‌شمول است (Levesque, 1995: 832). پس از تبیین رکن اول - یعنی حق حیات - حال در بحث بعد می‌بایست به تعریف اشغال نظامی پرداخته شود.

۳-۲- اشغال نظامی و تعهدات دولت اشغالگر

مفهوم «اشغال نظامی» جایگاهی مهم در تنظیم روابط میان دولت‌ها در زمان بروز مخاصمه مسلحانه دارد. این مفهوم در حقوق بشردوستانه، به‌عنوان یکی از وضعیت‌های خاص واجد بار حقوقی دقیقی است. اشغال زمانی محقق می‌گردد که سرزمینی تحت کنترل مؤثر نیروی نظامی خارجی قرار گیرد، بدون آنکه حاکمیت قانونی آن سرزمین به نیروی اشغالگر منتقل شده باشد (محرمی، ۱۳۹۴: ۲۰۳). این وضعیت، نحوه اعمال حاکمیت، مسئولیت‌پذیری و تعهدات دولت اشغالگر را نسبت به ساکنین سرزمین اشغالی تحت نظام حقوقی مشخصی قرار می‌دهد. واکاوی این مفهوم، به‌ویژه در پرتو تعهدات دولت روسیه در اراضی اشغالی اوکراین، ضرورتی اساسی برای تحلیل حقوقی رفتار آن کشور نسبت به جمعیت غیرنظامی به‌ویژه کودکان محسوب می‌شود.

کنوانسیون لاهه (۱۹۰۷)^۱ به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین اسناد مدون در باب اشغال نظامی، در مواد ۴۲ تا ۵۶ قواعد حقوقی ناظر بر وضعیت اشغالی را مقرر داشته است. در این میان، ماده ۴۲ بیان می‌دارد که اشغال تنها زمانی تحقق می‌یابد که سرزمینی به‌طور واقعی تحت «اختیار نیروی دشمن» قرار گیرد و این اختیار زمانی مفروض است که اعمال قدرت دولت اشغالگر مستقر، مستمر و ثابت باشد. به‌تبع آن، ماده ۴۳ اشعار می‌دارد که دولت اشغالگر مکلف است «امنیت و نظم عمومی» را حتی‌الامکان حفظ کرده و قوانین محلی را، مگر در صورت وجود مانع قهری، محترم شمارد. اهمیت این ماده در آن است که دولت اشغالگر صرفاً یک نهاد موقتی فاقد حق حاکمیت تلقی می‌شود، اما در قبال ساکنین سرزمین اشغالی، به‌ویژه در حوزه‌های تأمین نیازهای اساسی، مسئولیت مثبت دارد.

در ادامه، ماده ۴۶ همین سند تعرض به جان، خانواده و اموال اشخاص را صریحاً ممنوع می‌کند و ماده ۵۰ دولت اشغالگر را از اعمال مجازات دسته‌جمعی علیه ساکنین برحذر می‌دارد. این ممنوعیت، مشخصاً در وضعیت‌هایی که گروه‌های غیرنظامی هدف اقدامات تلافی‌جویانه یا عملیات نظامی می‌گیرند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در شرایط اشغال، افراد بایستی از حمایت حداقلی در برابر اقدامات خودسرانه و خشن برخوردار باشند؛ مفهومی که امروزه در رویه محاکمی چون دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی، بسط یافته است (ICJ, 2004: paras. 106-7 & 111).

کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) به نحوی بسیط به حمایت از اشخاص غیرنظامی، از جمله کودکان، در شرایط اشغال پرداخته است. طبق ماده ۲ این کنوانسیون، اجرای آن در موارد اشغال کلی یا جزئی سرزمین یک عضو متعاهد الزامی است. بخش سوم این کنوانسیون، خاص حمایت از ساکنان غیرنظامی سرزمین اشغالی است و مواد ۲۷ به بعد مستقیماً رفتار دولت اشغالگر با این دسته از افراد را تنظیم می‌نمایند. مشخصاً، ماده ۵۰ کنوانسیون وظیفه آموزشی و مراقبتی دولت اشغالگر نسبت به کودکان را تصریح و اعلام می‌کند که اشغالگر موظف است تمام اقدامات لازم را برای تأمین نیازهای آموزشی و امدادی به عمل آورد. در عمل، این ماده برای تضمین حقوق کودکان در وضعیت اشغال، بار حقوقی معناداری بر دوش دولت‌های اشغالگر می‌نهد.

مطابق اصول تفسیر، به‌ویژه در پرتو آراء دیوان بین‌المللی دادگستری، تعهدات دولت اشغالگر صرفاً محدود به تعهدات بشردوستانه نیست، بلکه در نظام حقوق بشر، از جمله کنوانسیون حقوق کودک، نیز تسری یافته است (ICJ, 2004: paras. 106 & 111; CRC/GC. No. 5, 2004: para. 10). بنابراین، اشغالگر با استناد به وضعیت اشغال نمی‌تواند از مسئولیت‌های حقوق بشری خویش تبری جوید. بدین ترتیب، مسئولیت روسیه در قبال کودکان ساکن مناطق اشغالی اوکراین، نه‌تنها باید بر اساس مقررات کنوانسیون حقوق

^۱ Convention (IV) respecting the Laws and Customs of War on Land and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land, The Hague, 18 October 1907; entered into force 26 January 1910.

کودک بررسی شود، بلکه در چارچوب قواعد ناظر بر اشغال از جمله کنوانسیون لاهه و کنوانسیون ژنو نیز قابل تحلیل بوده و دایره پاسخگویی حقوقی را به مراتب گسترده تر می سازد. باتوجه به اینکه کودکان یکی از آسیب پذیرترین گروه ها در زمان اشغال هستند، مطالعه وضعیت آنها در مخاصمات مسلحانه و ترتیبات حمایتی پیش بینی شده حقوق بشری در ادامه ضروری به نظر می رسد.

۳-۳- وضعیت کودکان در طول مخاصمات مسلحانه و اشغال

کودکان در حقوق بین الملل از جایگاهی خاص به عنوان «اشخاص حمایت شده» برخوردارند. ویژگی های فیزیولوژیکی، روانی و اجتماعی آنها، اعم از عدم بلوغ جسمی و ذهنی، آسیب پذیری در برابر خشونت و وابستگی به خانواده و محیط حمایتی، موجب شده که حقوق بین الملل، به ویژه در زمان مخاصمات مسلحانه و اشغال سرزمینی، حمایت های بیشتری را برای این گروه در نظر گیرد (Henckaerts, 2005: 540-1). این حمایت ها، نه تنها خصیصه اعلامی دارد، بلکه واجد تعهدات الزام آور مشخصی برای دولت ها به ویژه دولت اشغالگر بوده و در رویه های قضایی و تفاسیر نهادهای ذی ربط نیز به خوبی تحکیم و تثبیت شده اند.

کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹)، در بندهای متعددی بر وضعیت خاص کودکان به عنوان «اشخاص حمایت شده» تأکید کرده است. ماده ۵۰، دولت اشغالگر را موظف می دارد که تسهیلات لازم برای عملکرد بهینه نهادهای رفاهی، آموزشی و مراقبتی مرتبط با کودکان را فراهم و از انتقال بی ضابطه و اجباری آنان ممانعت ورزد. به علاوه، تأسیس مناطق امن برای کودکان و تسهیل در عبور و مرور نیروهای امداد رسانی برای حمایت از حیات و سلامت آنها در مواد ۱۴، ۲۳ و ۲۴، تجلی یافته است (Henckaerts, 2005: 542).

کودکان بر مبنای پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷)^۱ به کنوانسیون های ژنو، تحت حمایت مضاعف قرار می گیرند. ماده ۷۷ این سند، نه تنها صراحتاً بر لزوم احترام به حیات و کرامت کودکان تأکید دارد، بلکه مشارکت آنان در مخاصمه را مطلقاً ممنوع می کند و هرگونه مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم آنان در مخاصمات را مغایر با اصول بنیادین حقوق بشردوستانه برمی شمارد. از سوی دیگر، محاکم کیفری بین المللی نظیر دیوان کیفری بین المللی برای رواندا و یوگسلاوی سابق بر جرم انگاری هرگونه تعرض به کودکان، اعم از قتل، آزار، مشارکت نظامی و تبعید اجباری، تأکید نموده اند (یاقوتی و بهلولی، ۱۳۹۸: ۴-۱۳).

شایان توجه است که قواعد عام حقوق بشر، به ویژه کنوانسیون حقوق کودک علاوه بر موازین حقوق بشردوستانه، حتی در وضعیت مخاصمه یا اشغال نیز لازم الاجرا محسوب می شوند. تفاسیر تفصیلی کمیته حقوق کودک - از جمله نظریه عمومی شماره ۱۶ «(۲۰۱۳)»^۲ و همچنین قطعنامه ۱۶۱۲ شورای امنیت^۳ - مبین آنند که مخاصمات نباید بهانه ای برای تعلیق تعهدات دولت ها نسبت به کودکان تلقی شود؛ بلکه آنها در چنین شرایطی مسئولیتی مضاعف را عهده دارند (CRC/GC. No. 16, 2013: para. 31; UNSC, 2005: paras. 1, 16-7). در این راستا، کودکان در مناطق اشغالی نه تنها از حقوقی چون سلامت، آموزش و عدم تبعیض برخوردارند، بلکه حق حیات آنان نیز باید به مثابه حقی غیرقابل تعلیق، در بالاترین سطح، تضمین گردد.

بنابراین، در شرایط اشغال نظامی، دولت اشغالگر موظف به اجرای تمامی تدابیر لازم جهت حفاظت از جان، سلامت و شخصیت کودکان است. رفتار دولت ها در این خصوص در قالب استانداردهای عینی و الزام آور بین المللی قابل ارزیابی است. به عبارت دیگر، اشغالگری نظامی نه تنها مجوزی برای سلب حمایت از کودکان نیست، بلکه خود منشأ مسئولیت مضاعف دولت اشغالگر محسوب می شود. در پرتو مطالب پیش گفته و با عنایت به الزامات حقوق بشری و بشردوستانه در قبال کودکان، بررسی ساختار کنوانسیون حقوق کودک و تبیین جایگاه حق حیات در آن، به ویژه در پیوند با شرایط مخاصمه و اشغال، ضروری می باشد.

¹ Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977, 1125 U.N.T.S. 3; entered into force 7 December 1978.

^۲ نظریه های عمومی، تفسیرهای معتبر کمیته ناظر بر کنوانسیون حقوق کودک در مورد مفاد و دامنه تعهدات این معاهده هستند.

³ U.N. Security Council, Resolution 1612, U.N. Doc. S/RES/1612 (26 July 2005).

۴- کنوانسیون حقوق کودک و حق حیات

۴-۱- ساختار و الزامات کنوانسیون و تعهدات کشورهای عضو در خصوص حق حیات

کنوانسیون حقوق کودک با برخورداری از بالاترین تعداد دولت‌های عضو در میان اسناد حقوق بشری بین‌المللی، جایگاهی والا در حمایت از حقوق کودک دارد. این سند نه تنها از نظر گستره تعهدات، بلکه از حیث جامعیت در پوشش تمامی ابعاد زندگی کودک، منحصر به فرد ارزیابی می‌شود. در میان مواد آن، ماده ۶ که به شناسایی «حق ذاتی هر کودک به حیات» می‌پردازد، بنیان کنوانسیون به‌شمار می‌آید. اما اهمیت واقعی این ماده زمانی روشن می‌شود که از نگاه سطحی فراتر رفته و تعهدات عملی و ساختاری مندرج در آن مورد واکاوی قرار گیرد. بر خلاف آنچه ممکن است برداشت اولیه از این ماده ایجاد کند، مفهوم حق حیات در اینجا صرفاً به ممنوعیت سلب فیزیکی حیات محدود نیست، بلکه مطابق با تفسیر نهادهای نظارتی، حکومت‌ها را به تضمین بقا، رشد و شکوفایی کودک مکلف می‌سازد. این معنا را دقیقاً باید در پرتو نظریه عمومی شماره ۱۴ کمیته حقوق کودک جستجو کرد؛ جایی که تصریح شده دولت‌ها موظفند با اقدامات ایجابی و منابع در دسترس، شرایط زیست متناسب با کرامت کودکان را فراهم آورند (CRC/GC. No. 14, 2013: paras. 2, 4 & 56).

از همین رو، ماده ۶ بنیانی است که بسیاری از حقوق مندرج در این سند بر آن استوارند. واقعیت آن است که تحقق مواد متعددی چون ماده ۲۴ (حق کودک به بهره‌مندی از بالاترین سطح استاندارد سلامت)، ماده ۲۷ (حق کودک به سطح مناسب زندگی)، ماده ۲۸ (حق آموزش) و ماده ۱۹ (حمایت در برابر خشونت و بی‌توجهی)، همگی در گرو تحقق حق حیات به معنای موسع آن است. در این خصوص، باید گفت که ضمانت اجرای ماده ۶، در واقع پیش‌شرط اجرای بسیاری از مواد دیگر کنوانسیون است. این همپوشانی مفهومی و هنجاری، ماده ۶ را به بنیان این کنوانسیون بدل کرده و دولت‌های عضو را در موقعیتی قرار می‌دهد که تخطی از این ماده، به منزله نادیده گرفتن بنیان نظم حقوقی این سند تلقی می‌شود. به بیان دیگر، عدول از تعهدات ماده ۶، کل نظام حمایتی کنوانسیون را مختل می‌سازد و موجب سلب موضوعیت از بسیاری مقررات حمایتی دیگر خواهد شد.

بعد دیگر این تعهد بنیادین در زمان مخاصمات مسلحانه، اشغال سرزمینی و بحران‌های انسانی آشکار می‌شود. مطابق با نظریه عمومی شماره ۶ کمیته حقوق کودک، اصول بنیادین حقوق کودک، از جمله حق بقا و رشد، در موقعیت‌های اضطراری زایل نمی‌گردند (CRC/GC. No. 6, 2005: paras. 20-1 & 41). این تفسیر در هماهنگی کامل با رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دیوار حائل^۱ است، که اشعار می‌دارد تعهدات حقوق بشری دولت‌ها حتی در وضعیت اشغال نظامی به‌قوت خود باقی است (ICJ, 2004: paras. 106-11). در نتیجه، دولت اشغالگر با تأیید معیار کنترل مؤثر، نه تنها ملزم به ترک رفتارهای آسیب‌زا است، بلکه موظف به اتخاذ تدابیر حمایتی لازم در جهت صیانت از حق حیات کودکان در تمام ابعاد آن خواهد بود. مصادیقی مانند قطع خدمات زیربنایی، انسداد دسترسی به بهداشت و آموزش، یا جابه‌جایی اجباری، همگی به معنای نقض صریح یا ضمنی ماده ۶ هستند و در فضای اشغال نظامی، مسئولیت حقوقی دولت مسلط را دوچندان می‌سازند.

بدین ترتیب، روشن می‌شود که اجرای مؤثر ماده ۶ در مناطق بحرانی، به‌ویژه در بستر اشغال نظامی، وابسته به تحلیل پیوند میان مخاصمات مسلحانه و ساختار حقوقی مندرج در کنوانسیون است؛ امری که در بخش آتی، با تمرکز بر نسبت میان شرایط جنگی و اجرای عملی ماده ۶، به تفصیل بررسی خواهد شد.

^۱ Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004, p. 136 (9 July 2004).

۴-۲- تأثیر مخاصمات مسلحانه بر اجرای ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک

مخاطرات ناشی از مخاصمات مسلحانه همواره آثار مخربی بر کودکان داشته و به‌ویژه در شرایط اشغال نظامی، نقض حقوق اولیه آنان، از جمله حق حیات، با شدت و ابعاد گسترده‌تری رخ می‌دهد. کمیته حقوق کودک در تفسیرهای رسمی خود، مکرراً نسبت به پیوند مستقیم میان جنگ و کاهش استانداردهای حمایت از کودکان هشدار داده و تأکید کرده است که اجرای ماده ۶ کنوانسیون نباید در زمان مخاصمه متوقف یا تضعیف شود. این کمیته در نظریات عمومی خود صریحاً بیان داشته است که دولت‌ها موظفاند حتی در شرایط اضطراری و مخاصمات، بالاترین سطح از حمایت لازم برای بقاء و رشد کودکان را تأمین نمایند (CRC/GC. No. 13, 2011: para. 72; CRC/GC. No. 16, 2013: para. 31).

از دید کمیته، عدم اجرای تعهدات مندرج در ماده ۶ کنوانسیون به بهانه جنگ یا اشغال، نه‌تنها فاقد اعتبار حقوقی است، بلکه می‌تواند مستوجب مسئولیت بین‌المللی گردد؛ زیرا تعهد دولت‌ها ذیل این ماده، تعهدی مطلق و غیرقابل تعلیق است. به بیان دیگر، اصل «منازعه‌زدایی از حمایت‌های انسانی» که به‌ویژه پس از تصویب قطعنامه ۱۶۱۲ شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ مورد توجه قرار گرفت،^۱ بر این تأکید دارد که کودکان در هر شرایطی، از جمله در وضعیت اشغال، باید از حفاظت مؤثر در برابر تهدیدات علیه حیات خویش بهره‌مند باشند (UNSC, 2005: paras. 1 & 16-7).

بدین ترتیب، رفتار دولت‌هایی نظیر روسیه، به‌ویژه در قبال مناطقی که به‌صورت عملی تحت اشغال نظامی آن‌ها قرار دارد، باید بر مبنای اصول موضوعه ماده ۶ مورد ارزیابی قرار گیرد. تخطی از الزامات مرتبط با تضمین بقاء و تکامل کودکان، یا هرگونه قصور ساختاری در ارائه حمایت‌های ضروری، مصداق بارز نقض کنوانسیون تلقی خواهد شد و مبنای مسئولیت دولت اشغالگر قرار می‌گیرد. بدیهی است برای ارزیابی دقیق مسئولیت‌های مورد بحث، بررسی میدانی و حقوقی وضعیت فعلی کودکان در مناطق اشغالی اوکراین، گام بعد در این پژوهش خواهد بود.

۵- بررسی وضعیت فعلی کودکان در مناطق اشغالی اوکراین

۵-۱- معرفی مناطق اشغالی و جمعیت کودکان حاضر در آن‌ها

از زمان آغاز تهاجم نظامی روسیه، بخش‌هایی از جنوب و شرق اوکراین تحت اشغال نظامی و کنترل عملی نیروهای روس قرار گرفته‌اند. اشغال این مناطق، آثار زیانباری بر جمعیت غیرنظامی، بالاخص بر کودکان به‌جا گذاشته است. مطابق آمارهای سازمان ملل متحد، شمار کودکان ساکن در مناطق اشغالی پیش از آغاز جنگ، حدود ۱/۵ تا ۲ میلیون نفر برآورد شده است، که بخش مهمی از آنان اکنون یا در معرض جابه‌جایی اجباری قرار گرفته‌اند یا در فقدان دسترسی به خدمات اساسی برای زیست نظیر آموزش، بهداشت و مسکن زندگی می‌کنند (UNICEF, 2023: 1).

کودکان ساکن در این مناطق اغلب از خدمات دولت مرکزی اوکراین محروم بوده و غالباً، دسترسی آنان به نهادهای حقوقی داخلی یا بین‌المللی نیز با موانع جدی روبروست. گزارش دیده‌بان حقوق بشر به‌صراحت تأکید دارد که در برخی از نواحی اشغالی، مدارس تبدیل به پایگاه‌های نظامی شده، مراکز درمانی تخریب یا تعطیل شده‌اند و خانواده‌ها از ترس بازداشت، شکنجه یا انتقال اجباری، به‌ناچار از ثبت هویت یا حضور مؤثر فرزندان خود در اماکن عمومی پرهیز می‌کنند (HRW, 2023: 5 & 10). این وضعیت، نقض فاحش اصول مندرج در ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک را رقم زده و حاکی از کوتاهی دولت اشغالگر در تضمین بقاء و رشد کودک است.

^۱ این قطعنامه مکانیسمی قابل اتکا برای نظارت و گزارش‌دهی در مورد موارد جدی نقض علیه کودکان در مخاصمات مسلحانه ایجاد کرد.

افزون بر این، شواهد قابل تأملی از انتقال و جابه‌جایی اجباری کودکان اوکراینی به خاک روسیه یا سرزمین‌های تحت کنترل روسیه وجود دارد که مورد توجه نهادهای قضایی بین‌المللی قرار گرفته است. گزارش سالانه کمیسیون مستقل تحقیق سازمان ملل اذعان می‌دارد که انتقال بدون رضایت قانونی یا آگاهانه والدین یا اولیای کودکان، برخلاف ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک و مغایر با اصل عدم جدایی کودک از خانواده به‌شمار می‌رود. (Independent International Commission of Inquiry on Ukraine (IICIU), 2024: paras.92-4) این فرآیندها می‌توانند آثاری نظیر جدا شدن کودکان از سرپرستان‌شان، محروم‌سازی از زبان، هویت فرهنگی و تحمیل نظام ارزشی دولت اشغالگر، به‌عنوان عناصر تشکیل‌دهنده نقض حق رشد شخصیت داشته باشند؛ وضعیتی که به‌وضوح مصداق «استیلا بر حیات و هویت کودک» تلقی می‌شود.

تحلیل وضعیت فوق، نه با هدف ارائه تصویری صرفاً آماری، بلکه با اتکاء به اسناد معتبر بین‌المللی و گزارش‌های حقوق بشری، بیانگر آن است که نتایج اشغال نظامی در اوکراین یکی از مهم‌ترین اشکال تهدید علیه حق حیات کودکان را رقم زده است. ضرورت بررسی دقیق‌تر این وضعیت در مرحله بعد، به درک جامع‌تری از دامنه آسیب‌پذیری‌های کودکان در مناطق اشغالی یاری خواهد رساند.

۵-۲- گزارش‌های میدانی از سازمان‌های بین‌المللی

گزارش‌های سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی حقوق بشری حاکی از وخامت بحران انسانی در میان کودکان ساکن مناطق اشغالی اوکراین است. بر اساس آمار رسمی هیئت نظارت حقوق بشر سازمان ملل در اوکراین کودکان پرشماری در نتیجه حملات مستقیم، بمباران‌های بی‌هدف و کاربرد سلاح‌های ممنوعه بین‌المللی کشته یا به‌شدت مجروح شده‌اند (Lava et al., 2022: 2183)، هرچند به دلیل محدودیت دسترسی ناظران مستقل به مناطق اشغالی، رقم واقعی احتمالاً بسیار بالاتر است (Lava et al., 2022: 2184). در این راستا، عفو بین‌الملل در گزارش خود تصدیق کرده است که زیرساخت‌های حیاتی آموزشی و بهداشتی در مناطق شرقی و جنوبی اوکراین هدف مستقیم حملات نیروهای روسیه قرار گرفته‌اند، به‌طوری که بیش از ۳۰۰۰ مدرسه طی دو سال تخریب یا ویران شده و اختلال در شبکه‌های بهداشتی منجر به افزایش مرگ‌ومیر کودکان بر اثر بیماری‌های قابل پیشگیری شده است (Amnesty International, 2023: 5 & 13). این وضعیت به‌وضوح نقض تعهدات دولت اشغالگر نسبت به حق بقا و رشد کودک ذیل ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک را نشان می‌دهد.

این وضعیت زمانی رو به وخامت می‌گذارد که در کنار آمارهای مرگ‌ومیر، به گزارش‌ها درباره جابه‌جایی قهری، گم‌شدن کودکان، جدایی اجباری از والدین و انتقال آنان به خاک روسیه توجه شود. بنابر گزارش سالانه کمیسیون تحقیق سازمان ملل در خصوص اوکراین، این اقدامات به منزله نقض فاحش اصول بنیادین حقوق کودک بوده و حتی می‌تواند در موارد معین مشمول جنایات بین‌المللی تلقی گردد (IICIU, 2024: paras.89-90). در مجموع، شواهد گردآوری‌شده از سوی نهادهای معتبر بین‌المللی، بستر مناسبی را برای بررسی مصادیق عینی نقض حق حیات و تبیین مسئولیت حقوقی دولت اشغالگر فراهم می‌آورد. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین موارد مستند نقض حق حیات کودکان در این مناطق و تحلیل حقوقی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۵-۳- نمونه‌های مستند نقض حق حیات کودکان در مناطق اشغالی

یکی از نگران‌کننده‌ترین موارد نقض نظام‌مند حقوق کودکان در مناطق اشغالی اوکراین، انتقال اجباری آنان به روسیه یا سرزمین‌های تحت کنترل این کشور است. بر اساس گزارش کمیسیون مستقل تحقیق سازمان ملل (۲۰۲۳)، این انتقال‌ها که هزاران کودک بی‌سرپرست یا جدا شده از خانواده را شامل می‌شود، بدون رضایت آگاهانه والدین یا نظارت نهادهای حمایتی انجام شده و مصداق بارز «نقض فاحش حقوق بشر بین‌المللی» محسوب می‌شود (IICIU, 2024: paras. 60-5). این اقدامات نه تنها موجب گسست هویتی و روانی کودکان شده، بلکه حقوق مندرج در مواد ۷ و ۸ کنوانسیون حقوق کودک درباره حفظ هویت، تابعیت و ارتباط با والدین را نقض می‌کند. گزارش‌ها

حاکمی از آن است که این جابه‌جایی‌ها اغلب با تهدید و خشونت همراه بوده و در مواردی به کشته شدن والدین منجر شده است، (HICIU, 2024: paras. 64) که حیات کودک را در ابعاد فردی و اجتماعی به مخاطره می‌اندازد.

نقد این اقدام صرفاً از منظر حقوقی کافی نیست، بلکه باید آن را در چارچوب تلاش دولت روسیه برای بازتعریف هویت ملی کودکان اوکراینی تحلیل کرد. این اقدام را می‌توان نوعی «خشونت نرم» دانست که از طریق ابزارهای ساختاری مانند تغییر نام، تابعیت و قطع ارتباط با خانواده و جامعه مبدأ صورت می‌گیرد. چنین رویکردی در تضاد مستقیم با هنجارهای بین‌المللی حمایت از کودک قرار دارد و نظام حقوقی را به عرصه‌ای برای مبارزه بر سر هویت و معنا تبدیل کرده است.

ارزیابی این وضعیت مستلزم بررسی تعهدات بین‌المللی روسیه ذیل کنوانسیون حقوق کودک است. پرسش مهم آن است که آیا دولت اشغالگر به تعهدات خود در قبال حق حیات، بقاء، هویت و رشد کودکان عمل کرده است یا خیر. پاسخ به این پرسش نیازمند واکاوی دقیق مبانی حقوقی و اقدامات عملی روسیه در مناطق اشغالی است که در بخش بعدی به تفصیل بررسی خواهد شد.

۶- تعهدات حقوقی روسیه براساس کنوانسیون حقوق کودک

۶-۱- عضویت روسیه در کنوانسیون و الزام‌آوری آن

روسیه از جمله دولت‌هایی است که تعهدات حقوقی خود در قبال حقوق کودک را به صورت رسمی با الحاق به کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۹۰ پذیرفته است، بدون آنکه حق شرطی بر مفاد این سند اعمال نماید. افزون بر آن، روسیه هر دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون، یعنی پروتکل اختیاری در خصوص مشارکت کودکان در مخاصمات مسلحانه را در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۸^۱ و پروتکل اختیاری در مورد فروش کودکان، فحشا و پورنوگرافی کودکان را نیز در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۳ مجدداً بدون درج هیچ‌گونه حق شرطی تصویب کرده است. این تصویب کامل، تعهدات روسیه را در چارچوب متن و روح کنوانسیون، جامع و غیرقابل تخطی ساخته و صراحتاً این کشور را در معرض سنجش دقیق عملکردش ذیل سازوکارهای اجرای اسناد مذکور قرار می‌دهد.

شایسته توجه است که کنوانسیون حقوق کودک، به‌رغم اینکه در نظام حقوق بشر بین‌المللی ویژگی‌هایی از هر دو دسته حقوق مدنی-سیاسی و اقتصادی-اجتماعی را داراست، اما برخلاف برخی دیگر از معاهدات حقوق بشری، هیچ سازوکاری را برای تعلیق تعهدات در شرایط استثنایی نظیر جنگ یا اشغال، برای دولت‌های عضو پیش‌بینی نکرده است (CRC/GC.No. 5, 2003: paras. 2-4). در واقع، ساختار کنوانسیون بر این اصل استوار است که کودک، در هر شرایطی و فارغ از موقعیت جغرافیایی یا نظامی دولت محل اقامتش، باید از حمایت کامل برخوردار باشد. نهاد ناظر بر اجرای مفاد کنوانسیون، یعنی کمیته حقوق کودک سازمان ملل، نیز در نظریه‌های تفسیری خود، به‌ویژه در نظریه عمومی شماره ۱۶ (۲۰۱۳)، به صراحت اعلام داشته است که اقدامات نظامی یا اشغال نمی‌توانند بهانه‌ای برای فاصله‌گرفتن از اصول بنیادین مندرج در این کنوانسیون باشند، بلکه مسائل اضطراری امنیتی، دولت‌ها را به حمایت مضاعف از کودکان ملزم می‌سازد (CRC/GC. No. 16, 2013: para. 31).

براین اساس، روسیه همچنان به طور کامل تحت تعهدات ناشی از کنوانسیون و پروتکل‌های آن باقی می‌ماند و شرایط مخاصمه مسلحانه یا اشغال سرزمینی، حتی با استناد به مباحث امنیتی، مصالح ملی یا ملاحظات نظامی، موجب زوال یا تعلیق این تعهدات نخواهد شد. در نتیجه، هرگونه نقض حق بقاء، رشد، هویت، یا تمامیت جسمی و روانی کودکان در قلمروهای تحت کنترل نظامی روسیه، همچنان مشمول

¹ Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the involvement of children in armed conflict, adopted by General Assembly resolution 54/263 of 25 May 2000, 2173 U.N.T.S. 222; entered into force 12 February 2002.

² Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the sale of children, child prostitution and child pornography, adopted by General Assembly resolution 54/263 of 25 May 2000, 2171 U.N.T.S. 227; entered into force 18 January 2002.

بررسی از حیث عدم پایبندی به تعهدات بین‌المللی است. این پایبندی نه تنها بر تعهدات سلبی دولت در خصوص عدم نقض به صورت مستقیم دلالت دارد، بلکه مسئولیت‌های ایجابی گسترده‌ای را نیز برای اعمال اقدامات حمایتی، حتی در شرایط اضطراری، بر عهده‌اش می‌گذارد. در بخش آتی، این تعهدات ایجابی و سلبی با تمرکز بر مفاد مشخص کنوانسیون و پروتکل‌های الحاقی و در پرتو عملکرد روسیه در سرزمین‌های اشغالی اوکراین بررسی خواهد شد.

۶-۲- تعهدات ایجابی و سلبی روسیه در قبال کودکان

۶-۲-۱- تعهدات ایجابی

بند دوم ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک دول عضو را مکلف می‌سازد تا «در راستای تضمین بقای کودک و رشد وی» تمامی اقدامات لازم را اتخاذ نمایند. این تعهد نه تنها بر پرهیز از تهدید مستقیم علیه حیات کودک استوار است، بلکه مستلزم کوشش دولت در فراهم‌ساختن شرایط زیستی مناسب، از جمله دسترسی مستمر به غذا، آب شرب، خدمات بهداشتی و واکسیناسیون، و نیز ایجاد محیطی امن و باثبات برای رشد همه‌جانبه کودک (شامل ابعاد روانی، اجتماعی، عاطفی و عقلانی) می‌باشد (CRC/GC. No. 15, 2013: paras. 6-9; CRC/GC. No. 14, 2013: paras. 6-9). این الزامات در مواردی همچون جلوگیری از انتقال کودکان به مناطق جنگی، تأمین پناهگاه‌های امن و ممانعت از استفاده نظامی از مراکز آموزشی یا درمانی تبلور می‌یابد. در تفسیر این تعهدات، می‌توان به نظریه عمومی شماره ۳۶ کمیته حقوق بشر نیز استناد کرد که بر مسئولیت دولت‌ها در پیشگیری از تهدیدات آتی، حتی از سوی بازیگران غیردولتی، تأکید دارد (CRC/GC. No. 36: 2018: paras. 21-2).

دولت‌ها مکلفند با نظارت بر نیروهای تحت فرمان و اتخاذ تدابیر ایجابی، از اقدامات غیرقانونی علیه غیرنظامیان، به‌ویژه کودکان، جلوگیری کنند. این تعهدات شامل مسئولیت غیرمستقیم در قبال گروه‌های مسلح غیردولتی نیز می‌شود، به‌گونه‌ای که حتی در صورت عدم مشارکت مستقیم دولت، موظف به کاهش خطرات تهدیدکننده حق حیات کودکان است (CRC/GC. No. 36: 2018: paras. 23). چنین الزاماتی به‌ویژه در شرایط اشغال یا محاصره، نه تنها مسئولیت‌های مستقیم، بلکه پاسخگویی دولت را در قبال عوامل ساختاری بسط می‌دهد.

۶-۲-۲- تعهدات سلبی

تعهدات سلبی دولت‌ها به‌موجب بند نخست ماده ۶ مصرح آن است که کودکان از حق ذاتی حیات برخوردارند و دولت‌ها مکلف‌اند از تضمین این حق اطمینان حاصل کنند. معنای حقوقی تعهد سلبی در این خصوص آن است که دولت موظف به خودداری از هرگونه فعل مستقیم یا غیرمستقیم است که می‌تواند منجر به سلب خودسرانه حیات کودک شود. ممانعت از هدف‌گیری کودکان در عملیات نظامی، پرهیز از اقدامات خشن و مرگبار در قبال بازداشت‌شدگان زیر هجده سال و منع مطلق اجرای مجازات اعدام در خصوص بزهکاران نوجوان، از اصول بنیادینی هستند که در ارتباط مستقیم با این تعهد قرار دارند. ماده ۳۷ کنوانسیون به‌صراحت اعمال مجازات‌های بی‌رحمانه، از جمله اعدام را نسبت به افراد زیر سن ۱۸ سال ممنوع می‌سازد و این در حالی است که چنین ممنوعیتی در بسیاری از اسناد بین‌المللی دیگر نیز بازتاب یافته و از منظر تفسیر رویه‌ای، جایگاه آن به سطح قواعد آمره ارتقا یافته است (HRC/GC. No. 36, 2018: paras. 49-50). بدین ترتیب، تعهد سلبی دولت‌ها در این حوزه صرفاً به قلمرو اقدامات مستقیم محدود نمی‌شود، بلکه هر نوع فعلی که موجب تهدیدی جدی علیه حیات کودک گردد، در حیطه نقض این الزام قرار می‌گیرد.

باید توجه داشت که تعهد سلبی نسبت به حق حیات با الزامی مهم در خصوص عدم قرار دادن کودکان در معرض خطراتی نظیر خطرات ناشی از مخاصمات مسلحانه، نیز گره خورده است. ماده ۳۸ کنوانسیون به‌روشنی بر خودداری از مشارکت کودکان در درگیری‌های نظامی تأکید دارد و دولت‌ها را متعهد می‌سازد که «همه اقدامات ممکن» را جهت ممانعت از به‌کارگیری افراد زیر هجده سال در مخاصمات

یا آموزش‌های نظامی اتخاذ نمایند. در همین راستا، انتقال اجباری یا سازمان‌یافته کودکان به مناطق جنگی یا مؤسسات نظامی نیز به‌مثابه نقض صریح این تعهد سلبی تفسیر شده است. در اسناد تفسیری نهادهای حقوق بشری، از جمله کمیته حقوق کودک، این اصل مکرراً مورد تأکید قرار گرفته است که حتی مشارکت غیرمستقیم یا داوطلبانه کودکان در فعالیت‌های نظامی واجد قابلیت تهدید علیه حق حیات ایشان است (CRC/GC. No. 13, 2005: 27, 30 & 72). لذا دولت‌ها نباید صرفاً از بکارگیری فعالانه کودکان خودداری ورزند، بلکه باید امکان حضور ایشان در هرگونه ساختار یا محیطی را که به‌طور بالقوه خطر آفرین است، را ناممکن نمایند. این معیار به‌خوبی نشان می‌دهد که مفهوم تعهد سلبی نسبت به حق حیات، لزوماً در معنای مضیق آن باقی نمانده، بلکه در بطن خود حامل الزاماتی برای پرهیز کامل از هر سطحی از مشارکت یا قراردادن کودکان در معرض خطرات قابل‌پیش‌بینی است.

۶-۳- نقض تعهدات روسیه در قبال ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک

با تطبیق ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک بر اقدامات دولت روسیه در مناطق اشغالی اوکراین، مصادیق نقض تعهدات ایجابی و سلبی این دولت در قبال حق حیات کودکان آشکار شده و واجد دلالت حقوقی مستقیم در ارزیابی مسئولیت بین‌المللی آن است. نخست، در حیطه تعهدات ایجابی، تخریب گسترده زیرساخت‌های حیاتی مستقیماً با اصل تضمین بقا و رشد کودک در تعارض قرار می‌گیرد. بر اساس گزارش‌های یونیسف، در جریان محاصره شهر ماریوپول، شماری از کودکان به‌علت گرسنگی، کمبود دارو و عدم دسترسی به آب آشامیدنی جان باختند (UNICEF, 2023: 2). وضعیتی که به‌وضوح به علت حملات مکرر به سامانه‌های برق و آب‌رسانی و مراکز درمانی ایجاد شد. باتوجه‌به اینکه ماده ۶ دولت‌ها را ملزم به تضمین شرایط حداقلی برای بقا و رشد می‌داند، بی‌توجهی روسیه به تضمین این شرایط در مناطق تحت کنترل نظامی خود، نقض آشکار این تعهد ایجابی تلقی می‌شود.

در راستای همان تعهد ایجابی، دومین مصداق نقض مربوط به عدم مداخله مؤثر روسیه در برابر اقدامات گروه‌های وابسته به آن در ربودن کودکان اوکراینی و انتقال آنان به مناطق تحت کنترل روسیه است. گزارش‌های متعددی از سوی نهادهای بین‌المللی نشان از همکاری میان مقامات رسمی روسیه و واحدهایی با عنوان‌هایی نظیر «دفتر کمیسیون امور حقوق کودک» دارد که نقش محوری در تسهیل فرآیند انتقال، آموزش و بازپروری فرهنگی این کودکان ایفاء کرده‌اند (IICIU, 2023: paras. 60-5). این بی‌تفاوتی نسبت به حفاظت از کودکان در برابر تهدیدات بازیگران غیردولتی و اقدامات نظام‌مند آنان در بازآفرینی هویت ملی کودک، مصداق مستقیم قصور در اجرای تعهد دولت به پیشگیری از خطرات علیه حیات کودکان تلقی می‌شود.

در حوزه تعهدات سلبی، استفاده مکرر از سلاح‌های انفجاری بدون رعایت اصل تفکیک در مناطق پرجمعیت، از مصادیق برجسته نقض اصل منع اقدام مستقیم علیه غیرنظامیان به‌ویژه کودکان به شمار می‌آید. طبق آمار رسمی منتشرشده از سوی دفتر دادستان کل اوکراین تا پایان سال ۲۰۲۴، بیش از ۵۱۴ کودک اوکراینی در اثر حملات نظامی به مناطق مسکونی کشته شده‌اند (Prosecutor General's Office of Ukraine, 2024: 3). وقوع این حجم از تلفات مستقیماً با تعهدات سلبی مطروحه در ماده ۶ در تضاد است که دولت را از اعمال هر اقدامی منجر به سلب خودسرانه حیات کودک منع می‌کند. مسئولیت بین‌المللی در این سطح، حتی در صورت وقوع در خلال مخاصمه مسلحانه، پابرجاست و امکان توجیه آن تحت عنوان «خطرات جنگی اجتناب‌ناپذیر» وجود ندارد.

نقض دیگر مرتبط است با انتقال سازمان‌یافته کودکان اوکراینی به خاک روسیه و اعمال آنچه می‌توان مهندسی هویتی نامید. طبق گزارش‌های منابع مستقل، از جمله گزارش تفصیلی کمیسیون بررسی نقض‌های انسانی سازمان ملل مورخ آوریل ۲۰۲۳، بیش از ۳۰۷۰۰۰ کودک اوکراینی به‌اجبار یا بدون رضایت والدین خود به خاک روسیه منتقل شده و بسیاری از آنان قربانی تغییر مدارک هویتی، تغییر نام و واگذاری به خانواده‌های روس شده‌اند (HRMMU, 2023: 63-6). این اقدامات، صراحتاً ناقض تعهدات سلبی دولت روسیه ذیل ماده ۶ و همچنین ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک در خصوص منع جداسازی از والدین، در غیاب فرآیند قضایی منصفانه و مستقل، هستند.

افزون بر این، ترویج آموزش نظامی میان کودکان منتقل شده در مراکز خاصی موسوم به پایگاه‌های «بازاجتماعی‌سازی» نیز انجام شده است. این نهادها، که تحت نظارت نسبی نهادهای دولتی روسیه مدیریت می‌شوند، در موارد متعددی به تعلیم مفاهیم نظامی و آموزش‌های شبه‌نظامی به کودکان اوکراینی مبادرت کرده‌اند (ICIU, 2024: 90-4). استفاده از کودکان در فعالیت‌هایی که هرچند مستقیماً مشارکت در مخاصمه محسوب نمی‌شوند؛ اما آنان را در معرض آسیب‌های روانی و تربیتی جدی قرار می‌دهند، مغایر با تعهدات سلبی در خصوص پرهیز از قرار دادن کودکان در معرض خطرات احتمالی مرتبط با مشارکت نظامی است. ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک در کنار نظریات تفسیری نهادهای مربوطه، بر منع کامل چنین اقداماتی برای افراد زیر هجده سال تأکید دارند.

در حقیقت، آنچه در اقدامات روسیه نسبت به کودکان اوکراینی در عمل مشاهده می‌شود، انکار تدریجی «تعلق ملی» کودک و استقرار یک نظم معنایی جایگزین است که هویت فرهنگی و خانوادگی کودک را مخدوش می‌سازد. مفروض گرفتن تقدم نظم ژئوپلیتیک بر نظم حقوقی و اولویت‌دادن به بازتعریف هویتی کودکان قربانی، تلاشی معکوس نسبت به روند جهانی‌سازی حمایت از کودک شمرده می‌شود و نقض نظام‌مند تعهد به رعایت کرامت ذاتی کودک در پرتو اصل حق حیات، قابل پیگرد از مسیرهای مختلف حقوقی در سطح بین‌المللی خواهد بود که به تفصیل در بحث بعد مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

۷- تحلیل تطبیقی و مسئولیت بین‌المللی روسیه

۷-۱- تطبیق اقدامات با نقض ماده ۶ و اسناد تکمیلی

تعهدات ناشی از کنوانسیون حقوق کودک و اسناد مکمل آن، از جمله پروتکل اختیاری مربوط به مشارکت کودکان در مخاصمات مسلحانه، الزامی و غیرقابل تعلیق محسوب می‌شوند. ماده ۶ کنوانسیون، بار مضاعفی از مسئولیت حقوقی بر دوش دولت‌های عضو، از جمله روسیه، می‌گذارد. باتوجه به مستندات میدانی و گزارش‌های نهادهای بین‌المللی، اقدامات و رویه‌های جاری روسیه در مناطق اشغالی اوکراین، که پیش‌تر بدان اشاره گردید، مصداق تخطی مستقیم از مفاد ماده ۶ و نیز اصول حفاظتی مندرج در پروتکل‌های الحاقی است. مطابق طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱)، هر عملی که به دولت مستند باشد و ناقض تعهدات بین‌المللی آن تلقی گردد، موجب ایجاد مسئولیت بین‌المللی خواهد شد (ماده ۲). در این چهارچوب، رفتاری همچون بازداشت، اخراج اجباری یا عدم محافظت از کودکان در برابر تهدیدات وارده بر تمامیت جسمی یا روانی آنان، عملاً نقض تعهدات ایجابی و سلبی دولت در قبال حق حیات تلقی می‌شود و قابلیت استناد به‌عنوان فعل متخلفانه بین‌المللی را داراست. به‌عبارت دیگر، این تخلفات در صورتی که به شکل گسترده و سازمان‌یافته صورت پذیرد می‌تواند از حوزه صرف نقض معاهده‌ای خارج شده و وارد حیطه مسئولیت مضاعف از جمله مسئولیت برای جنایات بین‌المللی نظیر جنایت علیه بشریت شود.

در کنار اصول حقوقی، باید در نظر داشت که عملکرد دولت‌ها در قبال کودکان، به‌ویژه در شرایط بحرانی، نه‌تنها بازتابی از پایبندی به هنجارهای الزام‌آور، بلکه تجلی هویت، اخلاق و مشروعیت بین‌المللی آنها به شمار می‌آید. برخورد دولت روسیه با مسئله کودکان در مناطق اشغالی، صرفاً در چارچوب نقض قواعد شکلی کنوانسیون و پروتکل‌ها محدود نمی‌ماند، بلکه از منظر معنایی نیز واجد نوعی «بازتعریف مخرب» از آن چیزی است که جامعه بین‌المللی به‌عنوان کودک، امنیت، خانواده و بقا شناسایی کرده است. این بازتعریف‌ها که از طریق اعمال خط‌مشی‌های هویتی بر کودکان منتقل شده، به دنبال ساختن نظم اجتماعی جایگزین در مناطق اشغالی هستند، خود شکلی پیچیده از خشونت نمادین و تهی‌سازی حقوقی محسوب می‌شود.

باتوجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت که ترکیب اقدامات انجام‌شده علیه کودکان با تحلیل حقوقی حاصل از اسناد الزام‌آور، بیانگر آن است که روسیه در برابر نقض ماده ۶ کنوانسیون و قواعد مکمل آن مسئولیت بین‌المللی دارد. مسئولیتی که ابعاد آن نه‌تنها در سطح قراردادی میان دولت‌ها، بلکه در سطح عمومی جامعه جهانی و مبتنی بر اصول بنیادین حمایت از کودک قابل ارزیابی و تعقیب‌پذیر است.

در ادامه، این مسئله بررسی خواهد شد که چگونه این مسئولیت، در حقوق بین‌الملل، بالاخص با در نظر گرفتن صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت نسبت به کودکان، قابل پیگیری است.

۷-۲- مسئولیت بین‌المللی روسیه: تحلیل حقوقی و تطبیقی

صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به نقض گسترده حقوق اساسی کودکان، از جمله حق حیات، همان‌گونه که در کنوانسیون حقوق کودک مورد تأکید قرار گرفته، ریشه در مواد مختلف اساسنامه رم^۱ به‌ویژه مواد ۷ و ۸ دارد. بر اساس این مواد، ارتکاب جنایات علیه بشریت من‌جمله اعمال غیرانسانی فاحش ناظر بر تهاجم سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی (بند «ک» ماده ۷) و نیز جنایات جنگی همچون هدف قرار دادن مستقیم غیرنظامیان یا کودکان (بندهای ب و ه ماده ۸) در صلاحیت ذاتی دیوان قرار دارد. دیوان، در راستای اجرای این صلاحیت، نه‌تنها محاکمه عاملان، بلکه شناسایی الگوهای رفتاری دولت‌ها را نیز در چارچوب مسئولیت بین‌المللی دنبال می‌کند، مشروط بر آنکه عناصر مادی و قصد مجرمانه بر مبنای رویه نهادینه دیوان احراز گردد.

در این خصوص، کنوانسیون حقوق کودک نیز به‌واسطه پذیرش گسترده و اعتبار جهانی، به‌ویژه ماده ۶ آن که بر تعهد دولت‌ها به تضمین زنده ماندن و رشد کودکان حکم می‌کند، جایگاهی مکمل اما بنیادین برای استنباط تعهدات حقوق بشری دولت‌ها فراهم می‌آورد. هرچند دیوان صلاحیت قضایی مستقلی نسبت به کنوانسیون حقوق کودک ندارد، اما تفسیر مواد اساسنامه رم با استناد به سایر ابزارهای حقوق بشری بین‌المللی، هم در رویه دیوان و هم در نظرات مشورتی مراجع حقوقی همانند دیوان بین‌المللی دادگستری مورد اتکا قرار گرفته است. این امر به‌ویژه در پرونده‌هایی مانند توماس لوبانگا که برای نخستین بار به مسئولیت فردی در جذب اجباری و به‌کارگیری کودکان در منازعات مسلحانه پرداخت، آشکار است. در این پرونده، دیوان با استناد به حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اسنادی نظیر پروتکل‌های اختیاری کنوانسیون حقوق کودک، نقش دولت‌ها در حمایت فعالانه از کودکان را نیز مورد تفسیر قرار داد (ICC, 2012: 605-29).

اعمال روسیه در سرزمین‌های اشغالی اوکراین، به‌ویژه انتقال اجباری، آوارگی نظام‌مند و بازداشت غیرقانونی کودکان، نه‌تنها نقض آشکار اصول حقوق بشردوستانه، بلکه نقض هدفمند حق حیات آنان محسوب می‌شود. طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها که در بخش پیشین بررسی گردید، از جمله در مواد ۱ و ۲ آن، امکان مطالبه مسئولیت دولت برای نقض تعهدات بین‌المللی نظیر احترام به حق حیات کودکان را فراهم می‌آورد. افزون بر آن، باتوجه به اصل وحدت تعهد بین‌المللی و چارچوب جامع مسئولیت‌پذیری که در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مورد تأکید قرار گرفته، نقض فاحش تعهدات مربوط به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، حتی فارغ از مسئله رضایت دولت متبوع قربانی، مشروط بر تحقق شرایط امکان پیگرد و اعمال صلاحیت از سوی دیوان، موضوع صلاحیت ذاتی دیوان قرار می‌گیرد.

در قامت قیاس مورد اوکراین با پرونده‌هایی نظیر دومینیک اونوانگی یا عمر البشیر وجوه اشتراک معناداری آشکار می‌گردد. در هر دو پرونده، دیوان بر اساس مدل ساختاری و سازمان‌یافته اقدامات علیه غیرنظامیان، اقدام به تعقیب جنایاتی کرد که به‌طور خاص کودکان قربانی مستقیم آنان بودند. در پرونده اونوانگی، دیوان وجود الگوی سیستماتیک خشونت جنسی علیه دختران کودک‌سرباز را دلیلی بر قصد مجرمانه و تخلف سازمان‌یافته دانست و آن را تحت عنوان جنایت علیه بشریت در چارچوب ماده ۷ تحلیل کرد (Duursma, 2019: 893). در پرونده البشیر، با اینکه اجرای حکم به دلیل تداخل ملاحظات غیرحقوقی و فقدان همکاری معنادار با چالش مواجه شد، اما دیوان نشان داد که حتی در غیاب رضایت دولت متهم (در قالب اصل صلاحیت تکمیلی)، می‌تواند تهدیدهای نظام‌مند علیه جمعیت غیرنظامی را مشروط بر حمایت شورای امنیت یا عضویت دولت محل وقوع جنایت در اساسنامه رم موضوع پیگرد قرار دهد (Duursma, Müller, 2019: 892).

¹ Rome Statute of the International Criminal Court, 17 July 1998, 2187 U.N.T.S. 90; entered into force 1 July 2002.

در خصوص اوکراین، مستندات بین‌المللی حاکی از وجود الگوی منظم ربودن، انتقال اجباری، تغییر هویت و قطع ارتباط کودکان با جامعه اصلی خود است که قربانیان اصلی آن کودکان بوده‌اند. گزارش‌های رسمی کمیسیون تحقیق شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۳ تأیید می‌کند که اقدامات روسیه با هدف نهایی «نقض هویت فرهنگی و ملی کودکان اوکراینی» صورت می‌گیرد؛ (HICIU, 2023: 60-9) امری که در چارچوب مفهومی «نسل‌زدایی فرهنگی» قابل تحلیل است. هرچند در اساسنامه رم چنین مفهومی به صراحت عنوان نشده است، اما دیوان با تفسیری موسع از عناصر مادی جنایات مربوط به انتقال کودکان (به‌ویژه بند هـ ماده ۷ و بند ب(۸) ماده ۸)، صلاحیت خود را در ورود به چنین موضوعی حفظ کرده است.

بنابراین هم از منظر حقوقی و هم مطابق رویه دیوان، دخالت مستقیم و سازمان‌یافته دولت روسیه در فرآیندهایی که منجر به سلب حیات، امنیت و ثبات روانی-عاطفی کودکان در مناطق اشغالی را مطابق ماده ۶ کنوانسیون مصداقی از مسئولیت بین‌المللی دولت و عوامل فردی متبوع محسوب می‌کند. ترکیب بین اسناد الزام‌آور و رویه متمرکز دیوان، امکان پیگیری مؤثر این نقض را هم از بُعد مسئولیت فردی و هم مسئولیت دولت در برابر جامعه بین‌المللی فراهم می‌آورد. براین اساس، آنچه در اوکراین در حال رخ دادن است نه صرفاً فعل یک دولت علیه دیگری، بلکه آزمونی بنیادین برای احیای تعهدات الزام‌آور بین‌المللی نسبت به حقوق بنیادین کودکان در مخاصمات مسلحانه است.

۸- نتیجه‌گیری

سنجش میزان تطابق خط‌مشی‌ها و اقدامات روسیه در مناطق اشغالی اوکراین با تعهدات حقوقی ناشی از ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک، نشان‌دهنده آن است که عملکرد دولت روسیه با الزامات اساسی این سند حقوق بشری در تعارض جدی قرار دارد. بررسی تطبیقی داده‌های میدانی، گزارش‌های منابع معتبر بین‌المللی و تحلیل‌های نهادهای تخصصی حاکی از آن است که روسیه نه تنها به تعهدات سلبی خود در معنای التزام به عدم ایراد آسیب مستقیم به جان کودکان عمل نکرده، بلکه از انجام تعهدات ایجابی خود نیز، که ناظر بر تضمین بقاء، رشد، آموزش و دسترسی کودکان به خدمات اولیه در مناطق اشغالی است، قصور ورزیده است.

از منظر حقوق بین‌الملل، تعهدات مندرج در کنوانسیون حقوق کودک حتی در شرایط مخاصمه نیز به قوت خود باقی می‌مانند و با قواعد حقوق بشردوستانه تقویت می‌شوند. اصول ناظر بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به‌ویژه مواد طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل بر این نکته تأکید دارند که نقض تعهدات عام‌الشمول نسبت به گروه‌های در خطر مانند کودکان می‌تواند موجبات مسئولیت جدی بین‌المللی دولت متخلف را فراهم آورد.

در بحران اوکراین، شواهدی چون بمباران هدفمند مراکز آموزشی و درمانی، قطع عامدانه دسترسی به خدمات اساسی و انتقال اجباری و گسترده کودکان به سرزمین اشغالگر، نه تنها مصداق نقض تعهدات مندرج در ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک است، بلکه در برخی موارد می‌تواند در قالب جنایت جنگی یا حتی جنایت علیه بشریت قابل‌ارزیابی باشد. این مصادیق، نشان از یک خط‌مشی منسجم در راستای بی‌اعتنایی به حقوق کودکان دارد، نه صرف اقدامات مقطعی یا خارج از کنترل دولت.

بدین ترتیب، بر مبنای تحلیل اسناد و اصول حقوقی روشن است که اقدامات و رویه‌های دولت روسیه، به‌ویژه در مناطق اشغالی اوکراین، واجد عناصر متعدد نقض حقوق بین‌الملل بوده و با الزامات صریح و ضمنی ناشی از ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک در تعارض است. استمرار این وضعیت، مستوجب مسئولیت بین‌المللی است و می‌تواند بستر را برای پیگرد قضایی در مراجع بین‌المللی، از جمله دیوان کیفری بین‌المللی، فراهم آورد.

در این میان، ضعف و تعلل نهادهای بین‌المللی در اقدام پیشگیرانه یا واکنش سریع، ضرورت بازنگری جدی در سازوکار حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه را یادآور می‌شود. تشکیل یک هیئت حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی با تمرکز بر وضعیت کودکان، بازسازی نظام‌های بنیادین حمایت از کودک و تضمین بازگشت کودکان منتقل‌شده به خانواده‌هایشان، اقداماتی فوری و ضروری‌اند. آنچه امروز

مورد مطالبه است، صرفاً تحلیل و محکومیت نیست؛ بلکه تحقق عملی تعهداتی است که کشورها با پیوستن به اسناد بین‌المللی، از جمله کنوانسیون حقوق کودک، بدان پایبند شده‌اند. حق حیات کودکان، نه تعهدی انتخابی، بلکه تکلیفی مطلق و غیرقابل تعلیق در حقوق بین‌الملل است و دولت‌ها باید در قبال حمایت از آن، هم در زمان صلح و هم در هنگام جنگ، متعهد باشند.

منابع

۱. آشوری، محمد؛ چاووشی، محمدصادق؛ کوشا، جعفر (۱۴۰۳). مسئولیت دولت‌ها در نقض حیات: ارزیابی رویه دیوان اروپایی حقوق بشر. *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*. (۲) ۱۲، ۵۱-۳۹.
۲. بابایی خورزوقی، نوید؛ زمانی، قاسم (۱۴۰۰). حق حیات در پرتوی معنای حیات: امکان یا امتناع. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*. (۳) ۵۱، ۹۰۶-۸۸۵.
۳. حبیبی، تهمینه (۱۳۸۱). نقدی بر کنوانسیون حقوق کودک. *مطالعات راهبردی زنان*. ۱۶، ۱۹-۱.
۴. قاری‌سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۷۹). حق حیات: تحلیل اخلاقی و حقوق بشری. *مجله تحقیقات حقوقی*. ۳۲-۳۱، ۱۶۶-۱۴۹.
۵. محرمی، توحید (۱۳۹۴). اشغال سرزمینی و پیامدهای فرهنگی آن (مطالعه موردی اشغال عراق). *مطالعات فرهنگ و ارتباطات*. (۳۱) ۱۶، ۲۲۳-۱۹۹.
۶. یاقوتی، ابراهیم؛ بهلولی، عزیزه (۱۳۹۸). مجازات جرم نسل‌کشی در دیوان بین‌المللی کیفری و دیوان‌های رواندا و یوگوسلاوی. *فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی*. ۱، ۲۱-۱.
7. Amann, D. M. (2022). International child law and the settlement of Ukraine-Russia and other conflicts. *International Law Studies*, 99, 559–601.
8. Amnesty International. (2023, February 22). *Lives torn apart: The devastating impact of the war on children in Ukraine*.
9. Committee on the Rights of the Child. (2003, November 27). *General comment No. 5 (2003): General measures of implementation of the Convention on the Rights of the Child (CRC/GC/2003/5)*.
10. Committee on the Rights of the Child. (2005, September 1). *General comment No. 6 (2005): Treatment of unaccompanied and separated children outside their country of origin (CRC/GC/2005/6)*.
11. Committee on the Rights of the Child. (2011, April 18). *General comment No. 13 (2011): The right of the child to freedom from all forms of violence (CRC/C/GC/13)*.
12. Committee on the Rights of the Child. (2013, May 29). *General comment No. 14 (2013) on the right of the child to have his or her best interests taken as a primary consideration (art. 3, para. 1) (CRC/C/GC/14)*.
13. Committee on the Rights of the Child. (2013, April 17). *General comment No. 15 (2013) on the right of the child to the enjoyment of the highest attainable standard of health (art. 24) (CRC/C/GC/15)*.
14. Committee on the Rights of the Child. (2013, April 17). *General comment No. 16 (2013) on State obligations regarding the impact of the business sector on children's rights (CRC/C/GC/16)*.
15. Duursma, A., & Müller, T. (2019). The ICC indictment against Al-Bashir and its repercussions for peacekeeping and humanitarian operations in Darfur. *Third World Quarterly*, 40(5), 890–907.
16. Henckaerts, J.-M. (2005). *Customary international humanitarian law*. Cambridge University Press.
17. Human Rights Committee. (2018, October 30). *General comment No. 36 (2018) on article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights, on the right to life (CCPR/C/GC/36)*.
18. Human Rights Watch. (2023, June 13). *Ukraine: Russian occupying forces endanger, abuse civilians*.

19. Independent International Commission of Inquiry on Ukraine. (2023, March 15). *Report to the Human Rights Council* (A/HRC/52/62).
20. Independent International Commission of Inquiry on Ukraine. (2024, March 4). *Report of the Independent International Commission of Inquiry on Ukraine* (A/HRC/55/58).
21. International Court of Justice. (2004). *Legal consequences of the construction of a wall in the occupied Palestinian territory* (Advisory Opinion). I.C.J. Reports 2004.
22. International Criminal Court, Pre-Trial Chamber I. (2009, March 4). *Prosecutor v. Omar Hassan Ahmad Al Bashir* (Warrant of Arrest, ICC-02/05-01/09).
23. International Criminal Court, Trial Chamber I. (2012, March 14). *Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo* (Judgment pursuant to Article 74 of the Statute, ICC-01/04-01/06).
24. International Criminal Court, Trial Chamber IX. (2021, February 4). *Prosecutor v. Dominic Ongwen* (Judgment, ICC-02/04-01/15).
25. Lava, S., de Luca, D., Milani, G., Leroy, P., Ritz, N., & de Winter, P. (2022). Please stop the Russian-Ukrainian war – children will be more than grateful. *European Journal of Pediatrics*, 181(4), 2183–2185.
26. Levesque, R. J. R. (1995). Geraldine Van Bueren, *The International Law on the Rights of the Child* [Book review]. *Fordham International Law Journal*, 19(2), 832–839.
27. Moroz, O., Bondar, V., & Khatniuk, Yu. (2023). Protection of children's rights as a component of Ukraine's national security. *Social & Legal Studios*, 6(3), 104–110.
28. Prosecutor General's Office of Ukraine. (2024, December 31). *Children in war: Statistics of victims*.
29. United Nations Children's Fund. (2023, March). *Child alert: Children in Ukraine – one year of war*.
30. United Nations Human Rights Monitoring Mission in Ukraine. (2024, March). *Report on the human rights situation in Ukraine: 1 January – 31 December 2023*.
31. United Nations Security Council. (2005, July 26). *Resolution 1612 (2005) on children and armed conflict* (S/RES/1612).

References

1. Amann, D. M. (2022). International child law and the settlement of Ukraine-Russia and other conflicts. *International Law Studies*, 99, 559–601.
2. Amnesty International. (2023, February 22). *Lives torn apart: The devastating impact of the war on children in Ukraine*.
3. Ashouri, M, Chavoshi, M, Koosha, J (2014). Responsibility of States in Violation of Life: An Evaluation of the Practice of the European Court of Human Rights, *Iranian Journal of International Politics*, (2)12, 515-39.
4. Babaei Khorzooghi, N, Zamani, Q (1400). The Right to Life in the Light of the Meaning of Life: Possibility or Refusal, *Quarterly Journal of Public Law Studies*, (3)51, 885-906.
5. Committee on the Rights of the Child. (2003, November 27). *General comment No. 5 (2003): General measures of implementation of the Convention on the Rights of the Child* (CRC/GC/2003/5).
6. Committee on the Rights of the Child. (2005, September 1). *General comment No. 6 (2005): Treatment of unaccompanied and separated children outside their country of origin* (CRC/GC/2005/6).
7. Committee on the Rights of the Child. (2011, April 18). *General comment No. 13 (2011): The right of the child to freedom from all forms of violence* (CRC/C/GC/13).

8. Committee on the Rights of the Child. (2013, May 29). *General comment No. 14 (2013) on the right of the child to have his or her best interests taken as a primary consideration (art. 3, para. 1)* (CRC/C/GC/14).
9. Committee on the Rights of the Child. (2013, April 17). *General comment No. 15 (2013) on the right of the child to the enjoyment of the highest attainable standard of health (art. 24)* (CRC/C/GC/15).
10. Committee on the Rights of the Child. (2013, April 17). *General comment No. 16 (2013) on State obligations regarding the impact of the business sector on children's rights* (CRC/C/GC/16).
11. Duursma, A., & Müller, T. (2019). The ICC indictment against Al-Bashir and its repercussions for peacekeeping and humanitarian operations in Darfur. *Third World Quarterly*, 40(5), 890–907.
12. Habibi, T (1381), Critique of the Convention on the Rights of the Child, *Strategic Studies of Women*, 16, pp. 1-19.
13. Henckaerts, J.-M. (2005). *Customary international humanitarian law*. Cambridge University Press.
14. Human Rights Committee. (2018, October 30). *General comment No. 36 (2018) on article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights, on the right to life* (CCPR/C/GC/36).
15. Human Rights Watch. (2023, June 13). *Ukraine: Russian occupying forces endanger, abuse civilians*.
16. Independent International Commission of Inquiry on Ukraine. (2023, March 15). *Report to the Human Rights Council* (A/HRC/52/62).
17. Independent International Commission of Inquiry on Ukraine. (2024, March 4). *Report of the Independent International Commission of Inquiry on Ukraine* (A/HRC/55/58).
18. International Court of Justice. (2004). *Legal consequences of the construction of a wall in the occupied Palestinian territory* (Advisory Opinion). I.C.J. Reports 2004.
19. International Criminal Court, Pre-Trial Chamber I. (2009, March 4). *Prosecutor v. Omar Hassan Ahmad Al Bashir* (Warrant of Arrest, ICC-02/05-01/09).
20. International Criminal Court, Trial Chamber I. (2012, March 14). *Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo* (Judgment pursuant to Article 74 of the Statute, ICC-01/04-01/06).
21. International Criminal Court, Trial Chamber IX. (2021, February 4). *Prosecutor v. Dominic Ongwen* (Judgment, ICC-02/04-01/15).
22. Lava, S., de Luca, D., Milani, G., Leroy, P., Ritz, N., & de Winter, P. (2022). Please stop the Russian-Ukrainian war – children will be more than grateful. *European Journal of Pediatrics*, 181(4), 2183–2185.
23. Levesque, R. J. R. (1995). Geraldine Van Bueren, *The International Law on the Rights of the Child* [Book review]. *Fordham International Law Journal*, 19(2), 832–839.
24. Moharrami, T (1394). Territorial Occupation and Its Cultural Consequences (Case Study of the Occupation of Iraq), *Culture and Communication Studies*, (31)16, pp. 199-223.
25. Moroz, O., Bondar, V., & Khatniuk, Yu. (2023). Protection of children's rights as a component of Ukraine's national security. *Social & Legal Studios*, 6(3), 104–110.
26. Prosecutor General's Office of Ukraine. (2024, December 31). *Children in war: Statistics of victims*.
27. Qari-Seyd Fatemi, S (1379). The Right to Life: Moral Analysis and Human Rights, *Journal of Legal Research*, 31-32, pp. 166-149.
28. United Nations Children's Fund. (2023, March). *Child alert: Children in Ukraine – one year of war*.
29. United Nations Human Rights Monitoring Mission in Ukraine. (2024, March). *Report on the human rights situation in Ukraine: 1 January – 31 December 2023*.
30. United Nations Security Council. (2005, July 26). *Resolution 1612 (2005) on children and armed conflict* (S/RES/1612).

31. Yaqout, E, Bahlouli, A (1398). Punishment of the crime of genocide in the International Criminal Court and the Rwandan and Yugoslav tribunals, *Quarterly Journal of Economic Jurisprudence Studies*, !(1), pp. 1-21.